پنجشنبه 06 فروردين 1388 - 08:21

وهابيها فضائل انبياء و اولياء را كه قرآن مي گويد منكرند

وهابيها، علم و قدرت و فضايلي را كه خداوند به اولياء خاص خود داده، انكارمي كنند...

وهابيها، علم و قدرت و فضايلي را كه خداوند به اولياء خاص خود داده، انكارمي كنند.
آنان به هيچ رو نمي پذيرند كه خداوند به كسي قدرتي بدهد كه به اذن خدامريض را شفا دهد، يا از داخل خانه هاي مردم خبر دهد و يا تخت پادشاهي را در يک چشم به هم زدن احضار كند و يا زبان مورچگان و پرندگان را بفهمند و با آنها صحبت كند و يا همچون حضرت مريم از آينده طفل كه در رحم دارد با خبر باشد، يا همچون پيامبر (ص) و علي از حوادث آينده خبر دهند و يا... حال آنكه قرآن براي انبياء واولياء خدا، علم و توانائي خارق العاده و فضايل بسياري را ذكر مي كند كه ما به نمونه هايي از آنها اشاره مي كنيم: 1 - درباره حضرت داود وسليمان ميفرمايد:ولقدآتيناداودمنافضلايااجبال اوبي معه والطير والنا له الحديد، ان اعمل سابغات وقدر في السرد واعملوا صالحا اني بماتعملون بصير، ولسليمان الريح غدوها شهر ورواحها شهر واسلنا له عين القطر ومن الجن من يعمل بين يديه باذن ربه ومن يزغ منهم عن امرنا نذقه من عذاب السعير،يعملون له ما يشاء من محاريب وتماثيل وجفان كالجواب وقدور راسيات اعملوا آل داود شكرا وقليل من عبادي الشكور) [1] و داود را از سوي خود فضيلتي داديم كه اي كوهها و اي پرندگان با او هم آواز شويد وآهن را برايش نرم كرديم، كه زرهاي بلند بساز و در بافتن زره اندازها را نگهدار وكارهاي شايسته كنيد كه من به كارهايتان بصيرم و باد را مسخر سليمان كرديم،بامدادان يک ماهه راه مي رفت و شبانگاه يک ماهه راه، و چشمه مس را برايش جاري ساختيم و گروهي از ديوها به فرمان پروردگارش برايش كار مي كردند و هر كه از آنان سر از فرمان ما مي پيچيد به او عذاب آتش سوزان را مي چشانديم براي او هر چه كه مي خواست از بناهاي بلند و تنديسها و كاسه هايي چون حوض و ديگهاي مهم برجاي مي ساختند.
اي خاندان داود، براي سپاسگزاري كاري كنيد و اندكي از بندگان من سپاسگزارند 2 - در سوره ديگري خداوند متعال درباره حضرت سليمان مي فرمايد: (وحشر لسيلمان جنوده من الجن والانس والطير فهم يوزعون). [2] سپاهيان سليمان از جن و آدمي و پرنده گرد آمدند و آنها به صف مي رفتند 3 - درباره حضرت عيسي مي فرمايد: (ويعلمه الكتاب والحكمة والتوراة والانجيل، ورسولا الي بني اسرائيل اني قدجئتكم بية من ربكم اني اخلق لكم من الطين كهيئة الطير فانفخ فيه فيكون طيرا باذن اللّه وابري ء الاكمه والابرص واحيي الموتي باذن اللّه واءنبئكم بما تاءكلون وما تدخرون في بيوتكم ان في ذلک لاية لكم ان كنتم مؤمنين). [3] خداوند به او كتاب و حكمت و تورات و انجيل مي آموزد.
و بر بني اسرائيل وي را به رسالت مي فرستد كه: من با معجزه اي از پروردگارتان نزد شما آمده ام برايتان از گل چيزي چون پرنده مي سازم و در آن مي دمم.
به اذن خدا پرنده اي شود.
و كور مادرزاد وبرص گرفته را شفا مي دهم و به فرمان خدا مرده را زنده مي كنم و به شما مي گويم كه چه خورده ايد و در خانه هاي خود چه ذخيره كرده ايد اگر از مؤمنان باشيد اينها براي شمانشانه هاي حقانيت من است توسل مردم به حضرت عيسي بدين خاطر بود كه عقيده داشتند خداوند به او قدرتي عطا فرموده كه مي تواند بيماران را شفا دهد يعني او را پيامبر و بنده خالص خدا مي دانستند و بخاطر همين عبوديت و بندگي است كه آن حضرت به چنين علم و قدرتي از جانب خداوند دست يافت و البته كه اين شرک نيست، بلكه عين توحيد است.
شرک آن است كه اين قدرت را از خود آن حضرت بدانيم و نه از خدا
[1] سوره سبا، آيات 10 ـ 13.
[2] سوره نمل، آيه 17.
[3] سوره آل عمران، آيات 48 ـ 49.